

بنیاد فرهنگی کهزاد



آریانی سرود

بنیاد فرهنگی کهزاد این پارچه شعر جاودانه استاد بزرگ را که 72 سال قبل در مجله آریانا به نشر رسیده به علاقه مندان ارجمند تقدیم میدارد.

استاد خلیل الله خلیلی

آریانی سرود

بنیاد بلخ

استاد خلیل الله خلیلی

بنیاد فرهنگی کهزاد

سرا پرده افگند بر کوهسار
بجام افگن آن داروی مشکبو
بچرخ کهن چیره دستی کنم
سرایم یکی آریانی سرود
که روشندلانم بگویند زه
ز اجلال جمشید و فر کیان
که ناهید رقصد بچرخ بلند

در این فصل خرم که ابر بهار
سرت گردم ای ساقی مشکمو
مرا ده که آغاز مستی کنم
ستانم ز خنیاگر چرخ رود
ز راز جهان برگشایم گره
سخن رانم از شوکت آریان
نو آهین نوائی کشم دل پسند

ز باد شمالی و خاک شمال
به گیتی ستانی مهیا شدند
به رفعت سبق برده از آسمان
فزون تر به جرئت چو غرنده شیر
تن از مهر خرم چو خاک از سحاب
به مستی چو رعنا گوزن جوان
چو از اختران آسمان بلند
صفای نظر حسن پندار شان

چو بر آریا تنگ آمد مجال
ز آرامگه سوی صحرا شدند
گروهی به نیرو چو کوه گران
همه پر دل و پهلوان و دلیر
دل از عشق روشن چو جام از شراب
ببالا چو بالنده سرو روان
زمین گشته از فر شان ارجمند
پدیدار گشته ز رفتار شان

ندیدند شایسته بگذاشتند
در او مرد را جای آرام نیست
که سازد وطن جز بکوه گران
چو دیگر غزالان برازنده نیست

بهر جا که رایت برافراشتند
زمینی که سرسبز و پدram نیست
شکوهی ندارد عقاب جوان
غزالی که در کوه ور زنده نیست

بدان مرز فرخنده رهبر شدند
ز هر گل بر او صورتی بافته
فرا تر ز پروازگاه عقاب¹
گوزن گرازنده را جلوه گاه
ز باد خزانی ندیده گزند
بامواج سیمین چو سیماب ها

عنان بر عنان سوی خاور شدند
زمینی چو ابریشم تافته
مهین کوه او مطلع آفتاب
پلنگ ستیزنده را زادگاه
درخت بلندش چو بخت بلند
ز هر دره غلطان شده آب ها

صنم خانه حسن و زيبندگي
سراپرده عشق و مهد نشاط
بهارش خوش و باره گي خوشخرام
در ان خاک فرخ نهادند رخت

جهاني همه فر و فرخندگي
محيط طرب مظهر انبساط
هوا مشکبيز و فضا نقره قام
به فرخنده اختر به فرخنده بخت

ز آواز گردونه تيزگرد
بهم خوردن نيزه هاي بلند
نهيب جوانان جنگ آزما
که بر چرخ گردون هياهو فتاد

ز آواي اسپان صحرانورد
ز رجز خواني ريشي² هوشمند
ز بانگ ني و آريائي نوا
غريوي بر ان مهد مينو فتاد

که چون او نپرورده مردی جهان
مبارک نهاد و فرشته شکوه
بخورشيد و چرخ فروزان فگند
خطاب حکيمانه آغاز کرد
به جز زادگاه دليران مباد
که جز آريا را شود تکيه گاه
سراپرده عدل و ارشاد باد
به پهنای گيتي از اين آب و گل
شکوه و فروغ و برازندگي
کسي را بر اين خانه دستي مباد !
که اين خاک شد خانه آريا

مهين پير فرخنده «وي ونگهان»³
دلير و خردمند و دانش پروه
نگاهي بگردون گردان فگند
برسم خطيبان سخن ساز کرد
که اين مرز جز مهد مردان مباد
دريغ آيدم از چنين مايه گاه
همين خاک ما خانه داد باد
فروغ عدالت شود مشتعل
جهان را بدو باد فرخندگي
به بنياد بختش شکستي مباد !
چنين گفت و بنهاد از کف عصا

خليل الله خليلي

- 1- يعني بلندتر از کوه هندوکش
- 2- حکيم آريائي
- 3- نام پدر زردهشت

/مجله آريانا، شماره 5، سال دوم، اول جوزا، 1322، کابل. نشر مجدد بنياد فرهنگي کهزاد، می 2015/